

سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی

محمدحسین سرایی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

علی طاووسیان: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، رضوان شهر، یزد، ایران

مرادعلی الله‌وردی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، رضوان شهر، یزد، ایران

حجت رضایی^۱: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

امروزه در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی از ابعاد مختلف همچون فرهنگی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن‌ها اهمیت بسیاری دارد، چرا که دستیابی به الگوواره توسعه پایدار نیازمند تعادل در توزیع شاخص‌های خدماتی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی است. هدف از این پژوهش بررسی چگونگی یا نحوه برخورداری شهرستان‌های ۷ گانه استان کهگیلویه و بویراحمد از لحاظ مؤلفه‌های فرهنگی است. بدین منظور ۲۴ مؤلفه فرهنگی با استفاده از روش اسنادی انتخاب و سپس توسط ۱۲ متخصص با استفاده از تکنیک دلفی وزن‌دهی گردیده است. روش بررسی توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش به منظور سطح‌بندی شهرستان‌ها از تکنیک چند شاخصه *ELECTREE* استفاده شده است. داده‌های تحقیق از سالنامه آماری ۱۳۹۰ این استان به تفکیک شهرستان‌ها استخراج گردیده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به صورت متوازن توزیع نشده و اختلاف فاحشی بین شهرستان‌ها از نظر خدمات فرهنگی ملاحظه می‌شود. همچنین نتایج خروجی تکنیک الکترون نشان می‌دهد که شهرستان‌های بهمئی، بویراحمد و کهگیلویه به ترتیب به دلیل برخورداری بیشتر از مؤلفه‌هایی همچون سرانه کتابخانه‌ها، تعداد کتب موجود در کتابخانه‌ها، سرانه سالن‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی که دارای وزن بالاتری بوده‌اند در رتبه‌های یک تا سه از توسعه فرهنگی و شهرستان گچساران در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توزیع فضایی، مدل الکترون، کهگیلویه و بویراحمد.

^۱ نویسنده مسئول: h.rezaie1367@ut.ac.ir، ۰۹۱۷۳۱۰۱۹۲

بیان مسأله:

امروزه نقش فرهنگ در مباحث توسعه از محورهای مورد توجه صاحب‌نظران است. کارشناسان توسعه، فرهنگ و زندگی را جدایی‌ناپذیر می‌دانند؛ زیرا درک نیازهای جامعه، نیازمند توجه به عوامل فرهنگی است (لنسکی، ۱۳۷۶: ۱۱؛ سرخ کمال و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۶). به عبارتی دیگر سخن گفتن از توسعه‌ی فرهنگی تنها لفظ و استعاره نیست، بلکه جزو جدانشدنی توسعه است و امروزه اثر آن پیش از پیش روشن گردیده است. به نحوی که مطرح شدن فرهنگ به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها و ضرورت پرداختن به آن در برنامه‌ریزی‌ها، از آخرین گام‌هایی است که طی سال‌های اخیر برداشته شده است (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۰). در مورد اثر فرهنگ بر توسعه می‌توان به ایجاد دارایی‌های زیادی از قبیل مهارت‌ها و محصولات فرهنگی اشاره نمود که در ارتقای رفاه جامعه اثر بسزایی دارد. کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دست آوردها و امکانات جامعه، یکی از مهم‌ترین معیارهای اساسی توسعه به شمار می‌رود، علاوه بر آن مفهوم توسعه جدای از رشد در همه جهات، توزیع متعادل را نیز در بر می‌گیرد (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۷). بدین‌سان توجه به مقوله‌ی فرهنگ و توسعه فرهنگی در الگوهای توسعه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای - محلی اهمیت فراوانی دارد.

از سوی دیگر تجربیات تمامی نظریات توسعه نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی که باشد نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است. بنابراین برای انجام برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تدوین راهکارهای توسعه، موفقیت در برنامه‌ریزی و طرح‌های اجرایی، بررسی و شناخت توان‌ها، کمبودها و تعیین سطح توسعه‌یافتگی نواحی و سکونتگاه‌ها بر اساس یک سری از شاخص‌های برتر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۰). در این راستا ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی فضایی، با توجه به محدودیت منابع؛ توزیع بهینه و متعادل امکانات و خدمات بین سکونتگاه‌های مختلف است. برای تحقق این امر نیاز به شناسایی سکونتگاه‌ها از نظر میزان برخورداری آن‌ها از خدمات گوناگون است؛ تا از این طریق نقاط محروم و توسعه‌نیافته مشخص شده تا برنامه‌ریزان بتوانند برای تعادل فضایی و کاهش فاصله‌های بهره‌مندی بین مناطق اقدام کنند. این پژوهش سعی دارد جهت دستیابی به توسعه متعادل در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد، با بهره‌گیری از تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه (*MADM*) به تجزیه و تحلیل شاخص‌های فرهنگی منتخب پرداخته و در نهایت توزیع فضایی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مورد مطالعه را در قالب مؤلفه‌های فرهنگی مشخص نماید.

پیشینه نظری تحقیق:

رنزشتاین (۲۰۱۱) در مقاله‌ی خود با عنوان توسعه فرهنگی و محله‌های شهری به بیان چهار ویژگی سیاست توسعه فرهنگی می‌پردازد. وی با استدلال تأثیر این ویژگی‌ها در توسعه فرهنگی و زندگی فرهنگی محلات استدلال می‌نماید که امروزه فرهنگ یکی از مؤثرترین عوامل در توسعه محله‌ای و منطقه‌ای می‌باشد که باید توسط برنامه‌ریزان و طراحان توسعه مد نظر قرار گیرد (Rosenstein, 2011: 9). زیاری (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران ضمن بهره‌گیری از روش تاکسونومی عددی، درجه توسعه‌یافتگی بخش فرهنگ در استان‌های کشور را با توجه به ۲۳ شاخص فرهنگی اندازه‌گیری کرده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که استان تهران در میان استان‌های کشور، به دلیل شدت توسعه‌یافتگی فرهنگی، نسبت به سایر استان‌ها ناهمگن بوده است. فاضل‌نیا و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله خود به ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که بین سطح برخورداری روستاها از امکانات فرهنگی با شرایط جمعیتی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بین برنامه‌ریزی فرهنگی با شرایط اجتماعی و جغرافیایی هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. خاکپور و باوان پوری (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای به بررسی میزان و چگونگی توزیع فضایی شاخص‌های بهداشتی - درمانی، مذهبی، اجتماعی - فرهنگی در شهر مشهد پرداخته‌اند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد ۲۵ درصد مناطق شهری مشهد خیلی برخوردار، ۲۵ درصد مناطق برخوردار و بقیه مناطق در سطح متوسط تا خیلی محروم قرار داشته‌اند. محمدی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به توزیع فضایی خدمات فرهنگی و تعیین سطوح برخورداری استان‌های ایران پرداخته‌اند. نتایج این

تحقیق حاکی از آن است که بین استان‌های ایران از نظر سطح توسعه فرهنگی اختلافات زیادی وجود دارد، به طوری که استان تهران در بالاترین سطح و استان سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین سطح از توسعه فرهنگی شناخته شده‌اند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۹). محمدی و ایزدی (۱۳۹۰)، در مقاله خود به رتبه‌بندی مناطق شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های فرهنگی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که بین مناطق شهری اصفهان از نظر برخورداری از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد به طوری که مناطق ۱۴-۱۳-۱۰-۷ با میانگین ضریب اولویت ۰.۰۴ در پایین‌ترین سطح برخورداری جای گرفته‌اند و اولین الویت توسعه را به خود اختصاص داده‌اند.

سرخ کمال و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله خود به سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از لحاظ مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی فرهنگی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در سال ۱۳۸۵ شهرستان گناباد، رتبه اول و شهرستان‌های درگز و بردسکن به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم از توسعه فرهنگی قرار دارند. مشکینی و قاسمی (۱۳۹۱)، در مقاله خود با استفاده از مدل تاپسیس به سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی پرداخته‌اند و مشخص نموده‌اند که شهرستان‌های زنجان و ماهنشان، از بالاترین رتبه و شهرستان‌های خدابنده و ایجرود با اختلاف زیادی نسبت به دیگر شهرستان‌های استان از کمترین رتبه از نظر شاخص‌های فرهنگی قرار داشته‌اند. محمدی و ایزدی (۱۳۹۲) در مقاله خود با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به تحلیل سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان پرداخته‌اند و مشخص ساخته‌اند که توزیع امکانات و فضاها، فرهنگی در بین مناطق شهری اصفهان متعادل نمی‌باشد و در نهایت مناطق شهری اصفهان را در پنج طیف از توسعه‌یافتگی دسته‌بندی نموده‌اند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹).

فرهنگ: نخستین تعریف جامع و علمی از فرهنگ را ادوارد بارنت تیلور^۱ در سال ۱۸۷۱ میلادی ارائه کرد. او در تعریف انسان‌شناختی خود از فرهنگ می‌نویسد؛ فرهنگ در معنای وسیع، کلیت درهم بافته‌ای شامل؛ دانش، هنر، اخلاق، قانون، آداب‌ورسوم و هر گونه قابلیت و عاداتی است که به وسیله انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب شده باشد (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۱). فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه، کلیه آموخته‌ها و عاداتی است که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی بر عهده دارد (سید جوادین، ۱۳۸۳: ۶۱۱). زویدی^۲ می‌گوید: فرهنگ شامل تمامی عادات یک جامعه است یا اگر جامعه را مجموعه افرادی سازمان‌یافته بدانیم که شیوه زندگی خاصی دارند، در این صورت فرهنگ، یعنی همین شیوه زندگی (Zevede, 2000: 6).

تریدانس^۳ فرهنگ را مفهومی می‌داند که دارای دو مؤلفه ذهنی و عینی است. در این تعریف فرهنگ ذهنی، شیوه ویژه‌ای برای ادراک فرد از بخش انسان ساخته محیط زندگی است که ادراک، قوانین، مقررات، هنجارها و ارزش‌ها را شامل می‌شود (Triandis, 1972: 4). از سوی دیگر فرهنگ عینی تأکید بر نظام‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و آموزش دارد (Ang et al, 2008; Leung et al, 2008). به عقیده نیتو^۴ فرهنگ شامل؛ ارزش‌ها، سنت‌ها، روابط اجتماعی- سیاسی و جهان‌بینی ایجاد شده، به اشتراک گذاشته شده و دگرگون شده به وسیله گروهی از مردم است که به وسیله تاریخ، موقعیت جغرافیایی، زبان، طبقه اجتماعی، مذهب و یا سایر هویت‌های مشترک با هم پیوند دارند (Nieto, 2004: 146). فرهنگ در تعریف کوهن عبارت است از دستاوردها، نهادها، عقاید و مجموعه‌ای از قواعد معاشرت و رفتارهای مرسوم که جامعه آن را برای بهره‌برداری از نیروهای بالقوه موجود در زیستگاه خاص خویش به کار می‌گیرد (Cohen, 1964: 74). فرهنگ مجموعه کلی از اجزای معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروهی را متمایز می‌سازد. فرهنگ نه تنها در بردارنده هنر و

¹ . Edward.B. Tylor

² . Zevede

³ . Triandis

⁴ . Nieto

ادبیات است که شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۱۴).

توسعه و توسعه فرهنگی: در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ توسعه معادل توسعه اقتصادی و رشد ناخالص داخلی تلقی و هدف اصلی دولت‌ها افزایش رشد اقتصادی بود (عمادی، ۱۳۷۶: ۸). در دهه ۱۹۶۰ رویکرد رشد توأم با توزیع جهت بهره‌مندی فقرا و در دهه ۱۹۷۰ رویکرد تأمین نیازهای اساسی برای جهت‌گیری گروه‌های هدف و توانمندسازی آن‌ها مورد توجه قرار گرفت. در دهه ۱۹۸۰ توسعه به عنوان یک مفهوم چندبعدی، که در برگیرنده ایجاد بهبودی در تمامی سطوح زندگی مردم و رفاه همگانی بود مطرح گردید. نظریات توسعه در این برهه از زمان موفقیت را منحصر به یک الگو ندانسته و سرمایه‌گذاری در تمامی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را برای فراهم شدن زمینه‌های توسعه لازم دانستند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۶). مفهوم توسعه فرهنگی طی دهه ۱۹۷۰-۱۹۶۰ در برنامه‌های یونسکو تحول و شکل پذیرفت. توسعه فرهنگی نیز مانند توسعه آموزشی و توسعه علمی و فنی در آخرین تحلیل، مسیر و مبحث جداگانه‌ای نیست بلکه جزء جدایی‌ناپذیر توسعه عمومی و کلی است که وسیله، محتوی و غایت آن انسان است (اردلان، ۱۳۸۲: ۲۷-۲۶).

توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی-شناختی و گرایشی آن‌ها، قابلیت‌ها و باورها، شخصیت ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌هایی است که مناسب توسعه است. به عبارتی حاصل فرایند توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده‌فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۸). توسعه فرهنگی فرایندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشان‌گرهای کمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالاها و خدمات استفاده می‌شود و در این بین، آنچه مهم است، برنامه‌ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی است که به طور عموم از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می‌شود (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۱). همچنین توسعه فرهنگی یکی از مهم‌ترین وجوه توسعه پایدار است که به رغم اینکه تحت تأثیر رکن اجتماعی توسعه پایدار قرار گرفته، نباید از اهمیت بنیانی آن غافل شد. فرهنگ همچون چتری بر سر کلیه نهادهای اجتماعی (حکومت، اقتصاد، دین، علم، خانواده، آموزش) در زندگی روزمره اثرات خود را بر جای می‌گذارد (مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵: ۷۲).

روش تحقیق:

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی و ماهیت موضوع، رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش را شهرستان‌های ۷ گانه استان کهگیلویه و بویراحمد تشکیل می‌دهند، بنابراین اطلاعات مورد نیاز از سالنامه آماری ۱۳۹۰ این استان جمع‌آوری گردیده است همچنین لازم به ذکر است به منظور تکمیل داده‌های ناقص برخی از شهرستان‌ها که در سالنامه آماری ۱۳۹۰ موجود نبوده از استانداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان استفاده شده است. جمع‌آوری مبانی نظری به روش قیاسی و تعمیم نتایج به صورت استقرایی بوده است. به منظور سنجش و سطح‌بندی شهرستان‌های استان، ۲۴ مؤلفه فرهنگی از طریق مرور پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه انتخاب گردید. به منظور وزن‌دهی مؤلفه‌های منتخب از تکنیک دلفی استفاده گردیده است. لازم به ذکر است روش دلفی یکی از مدل‌های اجماع در تصمیم‌گیری گروهی می‌باشد که به منظور مشخص ساختن میزان اهمیت متغیری بر متغیر دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای این منظور بعد از مشخص ساختن متغیرها توسط محقق؛ از متخصصین و آگاهان به مسئله تحقیق خواسته می‌شود که میزان اهمیت هر متغیر را مشخص نمایند. در مورد تعداد متخصصین نیز باید اذعان نمود که هیچ قانون قوی و صریحی در مورد نحوه انتخاب و تعداد متخصصین وجود ندارد و تعداد آنها وابسته به فاکتورهای تحقیق همچون دامنه مسئله، زمان جمع‌آوری داده‌ها، منابع در دسترس و غیره می‌باشد (Landeta, 2006: 91; Chu et al, 2008: 175; Manca et al, 2007: 227). اما به طور کل در مقالات و نمونه‌های هموزن معمولاً ۱۵-۱۰ نفر کافی است چرا که افزون بر آن نتایج یکی می‌گردد (Windle, 2004: 7). در همین راستا پرسشنامه‌ای در ارتباط با اهمیت و میزان وزن شاخص‌های تحقیق تدوین و برای ۱۵ نفر از کارشناسان برنامه‌ریزی شهری ارسال گردید، از تعداد ۱۵ پرسشنامه ارسالی، ۱۲ پرسشنامه توسط

متخصصان تکمیل شد که میانگین وزن‌های بدست آمده از این ۱۲ پرسشنامه به عنوان وزن‌های مورد نیاز جهت انجام مدل تحقیق بکار رفت. در نهایت به منظور سطح‌بندی شهرستان‌ها از تکنیک چند شاخصه الکترا استفاده گردیده است.

گویه‌های مورد استفاده: یونسکو در گزارش جهانی فرهنگ در سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ به ارائه شاخص‌های فرهنگی کشورهای مختلف جهان همراه با داده‌های آن‌ها پرداخته است. در این گزارش ۱۲۵ شاخص معرفی، که طبقات اصلی به شرح زیر است:

۱. فعالیت‌های فرهنگی شامل روزنامه، کتاب، کتابخانه، موسیقی، بایگانی و موزه‌ها، رادیو، تلویزیون، سینما، هنرهای نمایشی، تعطیلات عمومی، محوطه‌های میراث جهانی، تجارت کالای فرهنگی، جهانگردی بین‌المللی، ارتباطات و فناوری جدید؛
۲. گرایش‌های فرهنگی شامل کتاب، روزنامه و اوراق چاپی، رادیو و تلویزیون، سینما، ارتباطات و سفر، مبادلات فرهنگی، پذیرش کنوانسیون‌های فرهنگی، کنوانسیون‌های حقوق بشر، ترجمه و انتشار کتاب به زبان‌های خارجی، ترجمه از زبان اصلی، کنوانسیون‌های میراث فرهنگی (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

بنابراین در این پژوهش به منظور عملیاتی ساختن متغیر تحقیق ۲۴ گویه از مؤلفه‌های توسعه فرهنگی انتخاب گردیده است. (جدول شماره ۱). لازم به ذکر است که این ۲۴ گویه از طریق مرور اسنادی به دست آمده و سعی گردیده تمامی مؤلفه‌ها که در پژوهش‌های نمونه به عنوان مؤلفه‌های سنجش توسعه فرهنگی ذکر گردیده‌اند، انتخاب شوند. همچنین باید اذعان نمود که در انتخاب مؤلفه‌ها فاکتورهایی همچون موجودیت مؤلفه‌ها حداقل در یک شهرستان، فعال بودن برخی از مؤلفه‌ها همچون کتابخانه‌ها یا کانون‌های پرورش فکری و موجودیت آمار و ارقام دقیق در مورد مؤلفه‌ها در نظر گرفته شده است.

جدول ۱- گویه‌های مورد استفاده در تحقیق

ردیف	گویه
۱	درصد باسوادی مردان
۲	درصد باسوادی زنان
۳	تعداد کتابخانه و سالن مطالعه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت
۴	نسبت کتاب کتابخانه‌های عمومی به جمعیت شهرستان
۵	نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت شهرستان
۶	نسبت اعضای کانون پرورش فکری به جمعیت شهرستان
۷	نسبت مراجعین به کتابخانه‌ها به جمعیت کل شهرستان
۸	نسبت مراجعین به کانون‌های پرورش فکری به جمعیت کل شهرستان
۹	نسبت چاپخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۰	نسبت سالن نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری به ۱۰۰۰۰ نفر
۱۱	نسبت برنامه‌های نمایشی (نئاتر و موسیقی) اجرا شده به ۱۰۰۰۰ نفر
۱۲	نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی به جمعیت شهرستان
۱۳	سرانه فضای سالن‌های فرهنگی و هنری به جمعیت شهرستان
۱۴	نسبت نمایشگاه‌های کتاب به ۱۰۰۰۰ نفر
۱۵	نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب به جمعیت شهرستان
۱۶	نسبت اماکن مذهبی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت
۱۷	نسبت سینما به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت
۱۸	نسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به ۱۰۰۰۰ نفر
۱۹	نسبت کتاب کانون‌های پرورش فکری به جمعیت شهرستان
۲۰	نسبت کارکنان آموزشی به ازای جمعیت شهرستان
۲۱	نسبت آموزشیاران به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت
۲۲	نسبت دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت
۲۳	نسبت کتاب دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به جمعیت شهرستان
۲۴	تعداد اعضاء دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به جمعیت شهرستان

ماخذ: مطالعات کتابخانه‌ای تحقیق، ۱۳۹۲.

تکنیک ELECTREE

هر مسئله تصمیم‌گیری به دو مرحله اصلی تقسیم می‌شود. مرحله اول یا مرحله ارزیابی است. در این مرحله شاخص‌های کلیدی ارزیابی گزینه‌ها تعیین می‌شوند. این مرحله در حد بالایی وابسته به نظر تصمیم‌گیرندگان جهت ارزیابی کمی و کیفی گزینه‌ها بر مبنای شاخص‌های مذکور می‌باشد. نتیجه این مرحله تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری است. مرحله دوم نیز مرحله ارزیابی و انتخاب می‌باشد که اساس آن رتبه‌بندی گزینه‌ها توسط ماتریس تصمیم‌گیری است (Carlsson et al, 1996: 78). روش ELECTREE از جمله روش‌های تصمیم‌گیری است که نخستین بار توسط برنارد روی^۱ در پاسخ به کاستی‌های روش‌های تصمیم‌گیری معرفی شد. تاکنون روش‌های مختلفی از گروه ELECTREE برای تحلیل مسائل چند شاخصه ارائه شده که از آن جمله می‌توان به ELECTREE I, II, IS, III, IV, TRI اشاره نمود.

در روش ELECTREE شاخص‌های کمی، کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرند و با مقایسات دو وجهی میان گزینه‌ها، رتبه‌بندی آن‌ها به دست می‌آید. مسائل چند شاخصه به صورت قراردادی با یک مجموعه از گزینه‌ها، شاخص‌ها و مقادیر برتری بیان می‌گردند. در این مسائل می‌باید مجموعه‌ای از گزینه‌ها $A = \{a_i \mid (i=1, 2, \dots, m)\}$ ارزیابی شوند که ارزیابی مورد نظر با مجموعه‌ای از شاخص‌ها $z = g_j(a) \quad j = 1, 2, \dots, n$ صورت می‌پذیرد. $g_j(a)$ یک عدد حقیقی است (حتی اگر منعکس کننده یک ارزیابی کیفی باشد) که در روش‌های غیر رتبه‌ای مقایسه‌ها با روابط دوگانه (باینری) بیان می‌شود (کزاز و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۸؛ سلمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

در مقابل روش‌های سنتی که دو رابطه برتری و بی‌تفاوتی را در مقایسه دو گزینه در نظر می‌گرفتند، روش ELECTREE مفهوم ارزش آستانه بی‌تفاوتی، q ، ارزش آستانه برتری، p ، و روابط برتری را به شکل زیر معرفی می‌کند: (a) به صورت قوی برتر از b می‌باشد)

$$1. a P b \quad g(a) - g(b) > p$$

$$a Q b \quad (a \text{ به صورت ضعیف‌تر برتر از } b \text{ می‌باشد})$$

$$2. q < g(a) - g(b) \leq p$$

$$a I b \quad (a \text{ و } b \text{ نسبت به هم بی‌تفاوت هستند})$$

$$|3. g(a) - g(b)| \leq q$$

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که در یک مدل جامع برتری^۲ در روش ELECTREE، تصمیم‌گیرنده با سه حالت متفاوت روبرو می‌باشد:

$$a I b \quad \checkmark \quad (a \text{ بی‌تفاوت است نسبت به } b)$$

$$a Q b \quad \checkmark \quad (a \text{ برتری دارد بر } b)$$

$$a P b \quad \checkmark \quad (a \text{ برتری قوی دارد بر } b)$$

علاوه بر این‌ها با موضوعاتی نظیر ذیل روبرو می‌شویم:

غیر قابل مقایسه بودن (R): که آن را به صورت $a R b$ نمایش می‌دهند و هنگامی است که تردید میان $a P b$ و $b P a$ وجود داشته باشد.

آنچه در این روش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، بررسی اعتبار $a S b$ بوده که برای آن لازم است دو شرط هماهنگی را مورد بررسی قرار داد. $a S b$ به این مفهوم است که a حداقل به خوبی b است یا a بدتر از b نیست (Buchanan et al, 1999: 25).

مراحل تکنیک ELECTREE

¹. Bernard Roy

². Comprehensive Preference Model

گام اول: محاسبه هماهنگی: اگر k_j ضریب اهمیت یا وزن مختص به هر شاخص j باشد، پارامتر هماهنگی کل $(C(a,b))$ توسط رابطه (۱) محاسبه می‌گردد که پیش از آن لازم است هماهنگی هر دو گزینه به ازای هر شاخص $c_j(a,b)$ توسط رابطه (۲) محاسبه گردد.

$$K = \sum_{j=1}^r K_j \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$C(a,b) = \frac{1}{k_i} \sum K_j \cdot C_i(a,b)$$

$$C(a,b) = \begin{cases} 1 & g_j(a) + q_j \geq g_j(b) \\ 0 & g_j(a) + p_j \leq g_j(b) \\ \frac{p_j + g_j(a) - g_j(b)}{p_j - q_j} & \text{در غیر اینصورت} \end{cases} \quad \text{رابطه (۲)} \\ j = 1, 2, \dots, r$$

گام دوم: محاسبه ناهماهنگی: برای محاسبه ناهماهنگی، ارزش آستانه دیگری به نام ارزش وتو^۱ را باید تعریف کرد. ارزش آستانه وتو (v_j) این امکان را دارد تا اعتبار $a S b$ را به طور کامل رد کند؛ اگر برای هر شاخص j رابطه‌ای به این صورت برقرار باشد، $g_j(b) > g_j(a) + v_j$ اندیس ناهماهنگی برای هر دو گزینه به ازای هر شاخص به صورت رابطه (۳) محاسبه می‌گردد:

$$d_j(a,b) = \begin{cases} 0 & g_j(a) + p_j \geq g_j(b) \\ 1 & g_j(a) + v_j \leq g_j(b) \\ \frac{g_i(b) + g_j(a) - p_j}{v_j - p_j} & \text{در غیر اینصورت} \end{cases} \quad \text{رابطه (۳)} \\ j = 1, 2, \dots, r$$

ماتریس ناهماهنگی برای هر شاخص تهیه شده و برخلاف هماهنگی نمی‌توان هیچ اجماعی از شاخص‌ها داشت. یک شاخص ناهماهنگ کافی است تا اعتبار غیر رتبه‌ای را رد کند.

گام سوم: بررسی درجه اعتبار رابطه غیر رتبه‌ای S : برای هر جفت از گزینه‌های $A \in (a,b)$ مقادیر هماهنگی و ناهماهنگی به دست می‌آید. گام پایانی در این مدل ترکیب شاخص‌های این دو مقدار برای تعیین درجه غیر رتبه‌ای است که از این فرآیند ماتریس اعتبار به دست می‌آید و می‌توان توسط آن درجه اعتبار $a S b$ را تعیین نمود. درجه اعتبار برای هر جفت از گزینه‌های $A \in (a,b)$ به صورت رابطه (۴) تعریف می‌گردد:

که $J(a,b)$ بیانگر آن دسته از شاخص‌هایی است که $d_j(a,b) \geq C(a,b)$

$$S(a,b) = \begin{cases} C(a,b) & \text{اگر } d_j(a,b) \leq c(a,b) \\ C(a,b) \cdot \prod_{j \in J(a,b)} \frac{1-d_j(a,b)}{1-C(a,b)} & \end{cases} \quad \text{رابطه (۴)}$$

گام چهارم: رتبه‌بندی گزینه‌ها: گام بعدی در روش *ELECTREE III* بهره‌برداری از این مدل و ایجاد رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها از اطلاعات موجود در ماتریس اعتبار است. روش عمومی برای بهره‌برداری از این ساختار تولید دو پیش رتبه‌بندی صعودی و نزولی $Z1$ و $Z2$ است که از ترکیب آن‌ها $Z = Z1 \cap Z2$ رتبه‌بندی نهایی روش حاصل می‌شود. برای این منظور باید پارامتر λ که با نام a -cut یا برش α نیز معرفی می‌شود توسط رابطه (۵) تعیین گردد:

$$\lambda = \begin{cases} \max S(a,b) \\ a, b \in A \end{cases} \quad \text{رابطه (۵)}$$

این پارامتر مقدار اعتباری را معین می‌کند که تنها مقادیری از $S(a,b)$ که نزدیک به آن هستند مورد ملاحظه قرار می‌گیرند. در این فرآیند پارامتر جدیدی به نام $S(\lambda)$ معرفی می‌شود که $S(\lambda)$ برابر $\lambda a + \beta$ است. در نهایت باید مقدار $\lambda - S(\lambda)$ را محاسبه نمود. بر این اساس ماتریس T به صورت رابطه (۶) تعریف می‌شود:

¹. Veto

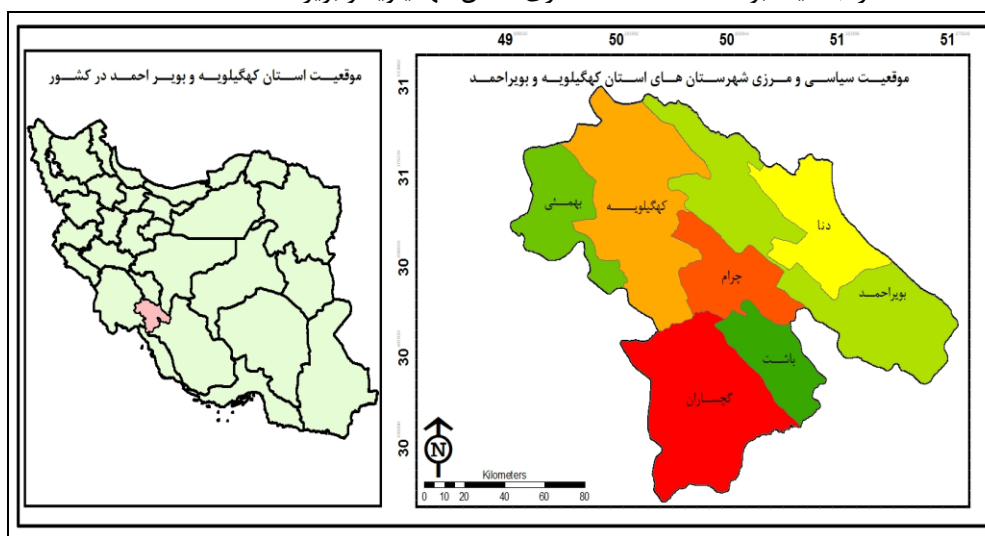
رابطه (۶)

$$T(a,b) = \begin{cases} 1 & S(a,b) > \lambda - S(\lambda) \\ 0 & \end{cases}$$

سپس مطلوبیت برای هر گزینه با $Q(a)$ نشان داده می‌شود که به مفهوم تعداد گزینه‌هایی است که گزینه a بر آن‌ها غلبه کرده است. منهای تعداد گزینه‌هایی که برتر از a بوده‌اند؛ $Q(a)$ به بیان ساده برابر مجموع اعداد موجود در سطر منهای مجموع اعداد موجود در ستون‌های ماتریس T برای هر گزینه تعریف می‌شود. در فرآیند نزولی، مجموع گزینه‌هایی که دارای بیشترین و بزرگ‌ترین مطلوبیت هستند رتبه‌های بالا را به خود اختصاص می‌دهند. پس از خروج گزینه‌های دارای بالاترین مطلوبیت از فرآیند، مجدداً با محاسبه λ و $S(\lambda)$ فرآیند ادامه می‌یابد تا رتبه تمامی گزینه‌ها مشخص شود (Buchanan et al, 1999).

منطقه مورد مطالعه:

استان کهگیلویه و بویراحمد با مساحت حدود ۱۶۲۴۹ کیلومتر مربع در مختصات ۲۹ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۶ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۵۵ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این استان طبق آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰؛ دارای ۷ شهرستان، ۱۶ شهر، ۱۷ بخش و ۴۳ دهستان می‌باشد. استان کهگیلویه و بویراحمد از شمال با چهارمحال بختیاری، از شمال شرق با استان اصفهان، از شرق با استان فارس، از غرب با استان خوزستان و از جنوب با استان بوشهر هم‌جوار است. (شکل شماره ۱). این استان بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ دارای ۶۵۸۶۲۹ نفر جمعیت بوده است (سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۰: ۷۰).



شکل ۱- موقعیت سیاسی شهرستان‌های مورد مطالعه - منبع: (سالنامه آماری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۰).

یافته‌های تحقیق:

تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری: به‌منظور سطح شهرستان‌های ۷ گانه استان کهگیلویه و بویراحمد با روش تکنیک چند شاخصه *ELECTREE* در مرحله اول لازم است شاخص‌های متناسب جهت تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری انتخاب شوند. با عنایت به شاخص‌های گردآوری شده از منابع گوناگون، پس از حذف شاخص‌های مشابه و اخذ دیدگاه‌های صاحب‌نظران شاخص‌های ارزیابی توسعه فرهنگی انتخاب و سپس با استناد به سالنامه آماری استان و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی داده‌ها جمع‌آوری گردید که نتایج خام این داده‌ها تحت عنوان ماتریس تصمیم‌گیری در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲- ماتریس تصمیم‌گیری متشکل از معیارها و آلت‌رانیو ها

گروه ها	وزن معیار	کمی	کمی	کمی	کمی	کمی	کمی
درصد باسوادی مردان	۸۹,۱	۸۳	۹۱,۷	۸۵,۵	۸۴,۹	۸۳	۸۴,۰
درصد باسوادی زنان	۷۹,۳	۶۹,۶	۸۱,۸	۷۲,۴	۷۲,۸	۶۹,۴	۷۲
تعداد کتابخانه و سالن مطالعه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۰,۶۲	۰,۷۲	۰,۶۷	۰,۹۶	۱,۹	۱,۲	۱,۶
نسبت کتاب کتابخانه‌های عمومی به جمعیت شهرستان	۰,۶۵	۰,۶۲	۰,۵۸	۰,۶	۱,۳	۰,۸۸	۰,۸
نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت شهرستان	۰,۱۱	۰,۱۱	۰,۰۵	۰,۱۲	۰,۱۴	۰,۱	۰,۰
نسبت اعضای کانون پرورش فکری به جمعیت شهرستان	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۲	۰
نسبت مراجعین به کتابخانه‌ها به جمعیت کل شهرستان	۲	۱,۹	۰,۳۱	۰,۳۷	۲,۳	۰,۱۲	۱
نسبت مراجعین به کانون‌های پرورش فکری به جمعیت کل	۰,۷۲	۰,۱۱	۰,۵۳	۰,۴۹	۰,۴۷	۰,۴۸	۰
نسبت چاپخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۵۳	۰,۵۲	۰,۲۵	۰,۱۹	۰,۲۷	۰	۰,۹
نسبت سالن نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری به ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۰۸	۰,۱۳	۰	۰	۰	۰	۰
نسبت برنامه‌های نمایشی (تئاتر و موسیقی) اجرا شده به ۱۰۰۰۰	۴,۱	۲,۲	۰	۲,۸	۲۱	۰	۰
نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی به جمعیت	۰,۲۳	۰,۱۷	۰	۰,۱۷	۰,۳۵	۰	۰
سرانه فضای سالن‌های فرهنگی و هنری به جمعیت شهرستان	۰,۰۲	۰,۰۳	۰	۰	۰	۰	۰
نسبت نمایشگاه‌های کتاب به ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۴۹	۰,۳۳	۰,۵۹	۰,۹۶	۳,۷	۰,۳۱	۰,۴
نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب به جمعیت شهرستان	۰,۴۹	۰,۵۲	۱,۲	۰,۰۶	۱	۰,۳۱	۰,۱
نسبت اماکن مذهبی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۲,۱	۱۰,۳	۱۱,۲	۴,۰۴	۸,۷	۶,۲	۸,۷
نسبت سینما به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۰	۰,۰۷	۰	۰	۰	۰	۰
نسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۲۱	۰,۱۳	۰,۲۵	۰,۳۸	۰,۲۷	۰,۳۱	۰
نسبت کتاب کانون‌های پرورش فکری به جمعیت شهرستان	۰,۱۶	۰,۱۳	۰,۲۳	۰,۴۷	۰,۱۷	۰,۳۱	۰
نسبت کارکنان آموزشی به ازای جمعیت شهرستان	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۱	۰,۰
نسبت آموزشیاران به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۳,۲	۸,۵	۴,۹	۵,۱	۴,۳	۱۲,۴	۴,۸
نسبت دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۵۷	۰,۱۳	۰,۵	۰	۰	۰	۰
نسبت کتاب دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به جمعیت شهرستان	۰,۵۴	۰,۱۴	۰,۹۵	۰	۰	۰	۰
تعداد اعضاء دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به جمعیت شهرستان	۰,۰۵	۰,۰۰	۰,۱۲	۰	۰	۰	۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

وزن دهی گویه‌ها:

تعیین وزن شاخص‌ها در روش ELECTREE گاهی بحرانی و حساس می‌باشد. تعیین میزان برتری گزینه‌ها نسبت به یکدیگر تا حدودی دشوار بوده و هنگامی که چندین تصمیم‌گیرنده وجود دارد، با توجه به ترجیحات گوناگون و حتی متضاد افراد، شرایط پیچیده‌تر می‌شود؛ به همین منظور باید از برخی تکنیک‌های خارجی برای تبدیل ترجیحات به ارزش وزن شاخص‌ها استفاده نمود. در این مطالعه، از میان روش‌های تعیین وزن شاخص‌ها، از تکنیک دلفی استفاده گردیده است. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- وزن شاخص‌های تحقیق

شاخص	ارزش	شاخص	ارزش
درصد باسوادی مردان	۰,۰۰۵	سرانه فضای سالن‌های فرهنگی و هنری	۰,۰۶۷
درصد باسوادی زنان	۰,۰۴۴	نسبت نمایشگاه‌های کتاب به ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۰۵۶
تعداد کتابخانه و سالن مطالعه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۰,۱۳۲	نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب جمعیت	۰,۰۵۴
نسبت کتاب کتابخانه‌های عمومی به جمعیت شهرستان	۰,۱۲۱	نسبت اماکن مذهبی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۰,۰۰۳
نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت شهرستان	۰,۱۱۰	نسبت سینما به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۰,۰۰۳
نسبت اعضای کانون پرورش فکری به جمعیت شهرستان	۰,۰۰۵	نسبت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۰۱۱
نسبت مراجعین به کتابخانه‌ها به جمعیت کل شهرستان	۰,۱۰۲	نسبت کتاب کانون‌های پرورش فکری به جمعیت	۰,۰۰۹
نسبت مراجعین به کانون‌های پرورش فکری به جمعیت کل	۰,۰۰۶	نسبت کارکنان آموزشی به ازای جمعیت شهرستان	۰,۰۴۵
نسبت چاپخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۰۰۸	نسبت آموزشیاران به ازای ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت	۰,۰۲۹
نسبت سالن نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری به ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۰۸۲	نسبت دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به ازای ۱۰۰۰۰	۰,۰۳۶
نسبت برنامه‌های نمایشی به ۱۰۰۰۰ نفر	۰,۰۲۴	نسبت کتاب دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به جمعیت	۰,۰۱۳
نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی به جمعیت	۰,۰۱۹	تعداد اعضاء دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی به جمعیت	۰,۰۱۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

شکيل ماتریس S و رتبه‌بندی نهایی:

در این مرحله؛ درجه اعتبار رابطه غیر رتبه‌ای برای مقایسات زوجی گزینه‌ها از طریق ترکیب شاخص‌های مقادیر هماهنگی و ناهماهنگی به دست می‌آید. محاسبات مورد نظر از طریق رابطه ۴ صورت گرفته و در نتیجه ماتریس S که بیانگر درجه اعتبار برتری یک گزینه بر گزینه دیگر بر اساس جمع شاخص‌ها است. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- ماتریس S (درجه برتری یک شاخص بر شاخص دیگر)

شهرستان	بویراحمد	کهگیلویه	گچساران	دنا	بهمئی	باشت	چرام
بویراحمد	۰,۰۰۰۰	۰,۴۷۵۰۰	۰,۶۲۰۰۰	۰,۶۴۲۰۰	۰,۳۸۴۰۰	۰,۶۸۷۰۰	۰,۶۵۹۰
کهگیلویه	۰,۵۲۵۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۷۴۲۰۰	۰,۵۷۹۰۰	۰,۲۵۷۰۰	۰,۶۸۷۰۰	۰,۵۸۹۰
گچساران	۰,۳۷۷۰۰	۰,۲۵۸۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۱۸۵۰۰	۰,۲۲۰۰۰	۰,۳۴۳۰۰	۰,۲۸۷۰
دنا	۰,۳۵۵۰۰	۰,۴۲۱۰۰	۰,۶۶۳۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۶۵۰۰	۰,۴۴۴۰۰	۰,۳۱۸۰
بهمئی	۰,۶۱۳۰۰	۰,۷۴۳۰۰	۰,۶۲۸۰۰	۰,۷۱۸۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۶۰۲۰۰	۰,۴۴۵۰
باشت	۰,۳۱۰۰۰	۰,۳۱۳۰۰	۰,۴۶۲۰۰	۰,۳۳۹۰۰	۰,۱۸۱۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۲۲۴۰
چرام	۰,۳۳۸۰۰	۰,۴۱۱۰۰	۰,۵۱۸۰۰	۰,۴۶۵۰۰	۰,۳۳۸۰۰	۰,۵۱۶۰۰	÷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

با توجه به داده‌های به دست آمده در ماتریس S، رتبه‌بندی نهایی شهرستان‌های ۷ گانه استان کهگیلویه و بویراحمد مشخص می‌گردد. در رابطه با ماتریس S باید اذعان نمود که در این ماتریس میزان برتری شهرستان‌ها نسبت به یکدیگر سنجیده می‌شود. همانطور که در ماتریس مشاهده می‌گردد؛ شهرستان بهمئی با توجه به جمع داده‌های مؤلفه‌های ۲۴ گانه تحقیق در سه مورد بر گزینه‌های دیگر برتری کامل داشته و همچنین جمع داده‌ها آن بر گزینه‌های دیگر برتری دارد. شهرستان بویراحمد در رتبه دوم در دو مورد بر سایر شهرستان‌ها برتری کامل و در یک مورد با شهرستان کهگیلویه برابر

می‌باشد و جمیع داده‌های آن بعد از شهرستان بهمنی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده از تکنیک الکترونیک مشخص گردید که شهرستان‌های بهمنی، بویراحمد، کهگیلویه در بالاترین سطح از توسعه فرهنگی و در رتبه‌های یک تا سه و شهرستان‌های چرام، دنا، باشت و گچساران به ترتیب در رتبه‌های چهار تا هفت از سطح‌بندی توسعه فرهنگی قرار گرفته‌اند. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- رتبه‌بندی نهایی

شهرستان	جمیع داده‌ها	کهگیلویه
بویراحمد	۳,۴۶۷	۲
کهگیلویه	۳,۳۷۹	۳
گچساران	۱,۶۷	۷
دنا	۲,۲۶۶	۵
بهمنی	۳,۷۴۹	۱
باشت	۱,۸۲۹	۶
چرام	۲,۵۸۶	۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که شهرستان بهمنی از نظر مؤلفه‌های تعداد کتابخانه و سالن مطالعه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت، نسبت کتاب کتابخانه‌های عمومی، نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت، نسبت مراجعین به کتابخانه‌ها، نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های فرهنگی و نسبت بازدیدکنندگان از نمایشگاه‌های کتاب که از نظر متخصصین نیز بیشترین وزن‌ها را به خود اختصاص داده بودند، بهتر عمل کرده‌اند. لذا با توجه به نتایج تحقیق و وزن‌های در نظر گرفته شده توسط جامعه متخصصین این پژوهش می‌توان گفت از نظر توسعه فرهنگی موجودیت تعداد کتابخانه‌ها، کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها، موجودیت نمایشگاه‌های فرهنگی و برگزاری نمایشگاه‌های کتاب از عوامل عمده به حساب می‌آیند به نحوی که بالاتر بودن سرانه این مؤلفه‌های در شهرستان بهمنی نسبت به دیگر شهرستان‌ها باعث گردیده که شهرستان بهمنی از نظر سطح‌بندی رتبه یک را به خود اختصاص دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که توسعه فرهنگی این استان از الگوی مرکز-پیرامون پیروی نمی‌کند. به نحوی که شهرستان کهگیلویه به عنوان مرکزیت استان و دارا بودن بیشترین جمعیت در استان در رتبه سوم و بعد از شهرستان بهمنی با دارا بودن رتبه پنجم از نظر جمعیت در شهرستان قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری:

اندیشه توسعه فرهنگی به عنوان موضوع سیاست ملی، به ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل، از حدود سال ۱۹۵۰ قوت گرفته و رواج یافت. طی دهه‌های ۶۰-۱۹۵۰ که به ده سال اول توسعه شهرت یافته است، تحول پر معنایی روی داد و مفهوم توسعه، تنوع و عمق یافت. در دهه‌های ۷۰-۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه فرهنگ وضع و به تدریج مرسوم شد که از مهم‌ترین آن‌ها توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی است. مطلبی که امروزه در کشورهای در حال توسعه آن را زیربنای توسعه حقیقی و پایدار می‌دانند که مستلزم تلاش و کوشش فراوان برای ارتقای سطح فرهنگ است. امروزه تجربیات نظریات توسعه به ما آموخته‌اند که در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن‌ها اهمیت بسیاری دارد. از دیگر سوء توسعه متعادل و متوازن فضاهای جغرافیایی، نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شناخت بهتر نیازهای جامعه و بهبود آن‌هاست.

بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع این مقاله سعی بر آن داشته است که با استفاده از تکنیک چند شاخصه *ELECTREE* شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد را با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی سطح‌بندی نماید. بدین منظور ۲۴ مؤلفه فرهنگی از طریق مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه انتخاب و تبدیل آن‌ها به شاخص‌های مورد نظر از طریق سرانه سازی و نسبت‌های مختلف صورت پذیرفت. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که پراکنش فضایی خدمات

فرهنگی در سطح استان از الگوی توزیع نامتعادل برخوردار می‌باشد که نیازمند هدفمند کردن و سازمان‌دهی بهتر و به طور کلی بهبود کارکرد دستگاه‌های مدیریتی و نظارتی مانند شهرداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین بهره‌گیری از دستاوردهای نوین در ارائه خدمات فرهنگی در سطح این استان است. بر اساس یافته‌های تکنیک چند شاخصه الکترونیک مشخص گردید که شهرستان‌های بهمئی، بویراحمد و کهگیلویه به ترتیب در بالاترین سطح از توسعه‌یافتگی فرهنگی و شهرستان‌های باشت و گچساران در پایین‌ترین سطح از توسعه‌یافتگی قرار داشته‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که توسعه فرهنگی در استان کهگیلویه و بویراحمد از الگوی مرکز-پیرامون پیروی نمی‌کند به نحوی که شهرستان کهگیلویه به عنوان مرکزیت استان و دارا بودن بیشترین جمعیت در رتبه سوم و بعد از شهرستان بویراحمد و بهمئی با دارا بودن رتبه پنجم از نظر جمعیت در شهرستان قرار گرفته است.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی، حسن (۱۳۷۰): روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ، چاپ اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۲. اردلان، فریدون (۱۳۸۱): توسعه فرهنگی از دیدگاه یونسکو، همایش توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران.
۳. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴): جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان، چاپ پنجم، تهران.
۴. افروغ، علی (۱۳۷۹): فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، انتشارات موسسه فرهنگ و دانش، چاپ اول، تهران.
۵. تقوایی، مسعود و صفر قائد رحمتی (۱۳۸۵): «تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره هفتم، مشهد، صص ۱۱۷-۱۳۲.
۶. تقوایی، مسعود و اصغر نوروزی آورگانی (۱۳۸۶): «تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح‌بندی دهستان‌های چهارمحال بختیاری»، مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد بیست و چهارم، شماره سوم، اصفهان، صص ۱۸-۱.
۷. جوادی، نسرین (۱۳۸۴): «توسعه فرهنگی استان‌ها، تنگناها و راهکارها»، نشریه ایران، شماره ۱۴۱، تهران، صص ۱۳-۱۱.
۸. خاکپور، براتعلی و علیرضا باوان پوری (۱۳۸۸): «بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهر مشهد»، فصلنامه دانش و توسعه، شماره ۱۶، پیاپی ۲۷، تهران، صص ۲۰۲-۱۸۲.
۹. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۹): «سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی، شماره ۱۶، تهران، صص ۱۰۴-۹۱.
۱۰. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حمدالله سجاسی قیداری (۱۳۸۹): توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۱. سرخ کمال، کبری؛ بیرانوندزاده، مریم و محمود زنجیرچی (۱۳۹۰): «سطح‌بندی شهرستان‌های استان خراسان رضوی از لحاظ مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی فرهنگی»، مجله برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره دوم، اصفهان، صص ۱۰۸-۹۵.
۱۲. سلمانی، محمد؛ بدری، سید علی؛ قصابی، محمدجواد و غدیر عشورنژاد (۱۳۹۲): «درجه‌بندی سکونتگاه‌های روستایی برای توسعه گردشگری بیابان با استفاده از روش الکترونیک»، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۶، کرمانشاه، صص ۲۲-۱.
۱۳. سید جوادین، سید رضا (۱۳۸۳): مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات نگاه دانش، چاپ اول، تهران.
۱۴. شاطری، مفید؛ فال سلیمان، محمود و محمد حجتی پور (۱۳۹۰): «تحلیل توانمندی‌ها و چالش‌های توسعه فرهنگی استان خراسان جنوبی با بهره‌گیری از مدل سوات»، فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، مشهد، صص ۷۹-۶۴.
۱۵. شریف‌زاده، فتاح و مهدی کاظمی (۱۳۷۷): مدیریت و فرهنگ سازمانی، نشر قومس، چاپ اول، تهران.

۱۶. ضرابی، اصغر؛ ایزدی، ملیحه و فرحناز ابوالحسنی (۱۳۹۱): «تعیین میزان برخورداری مناطق شهری اصفهان از شاخص‌های فرهنگی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره سوم، پیاپی ۱۰۶، مشهد، صص ۴۶-۶۵.
۱۷. عمادی، محمدحسین (۱۳۸۴): نقش اعتبارات خرد در تسریع فرایند توسعه روستایی؛ مقایسه دو دیدگاه، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران.
۱۸. فاضل نیا، غریب؛ توکلی، مرتضی و کاظم تاجبخش (۱۳۸۹): «ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره سوم، تهران، صص ۱۷۷-۱۴۹.
۱۹. کزازی، ابوالفضل؛ امیری، مقصود و فاطمه رهبر یعقوبی (۱۳۹۰): «ارزیابی و الویت بندی استراتژی‌ها با استفاده از تکنیک الکتور در محیط فازی»، فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی، سال هشتم، شماره ۲۰، تهران، صص ۷۹-۴۹.
۲۰. لنسکی، گرهارد و جین (۱۳۷۴): سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
۲۱. محمدی، جمال و ملیحه ایزدی (۱۳۹۰): «رتبه‌بندی مناطق شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های فرهنگی بر اساس تصمیم‌گیری چند شاخص»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۴، تهران، صص ۱۹۸-۱۷۵.
۲۲. محمدی، جمال و ملیحه ایزدی (۱۳۹۲): «تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل عاملی»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره ۱۶، اصفهان، صص ۱۰۴-۸۹.
۲۳. محمدی، جمال؛ شاهبوندی، احمد و مرضیه سلطانی (۱۳۹۰): «تحلیلی بر توزیع فضایی خدمات فرهنگی و تعیین سطوح برخورداری استان‌های ایران»، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲۹، تهران، صص ۱۲۰-۱۴۹.
۲۴. مرکز ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۵): راهنمای مطالعات آمایش، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، تهران.
۲۵. مشکینی، ابوالفضل و اکرم قاسمی (۱۳۹۱): «سطح‌بندی شهرستان‌های استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از تاپسیس»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۷، مرودشت، صص ۱۱-۱.
۲۶. یونسکو (۱۳۷۶): بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی، مترجم: تیمور محمودی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، چاپ اول، تهران.
27. Ang, S & Inkpen, A. C (2008): *Cultural Intelligence and offshore outsourcing success: a framework of firm-level intercultural capability*, *Decision Sciences*, 39 (3), Place? PP 175.
28. Buchanan, J., Shepperd, PH., Vanderpooten, D. (1999): *Project Ranking Using the ELECTRE Method*, Publisher Department of Management Systems, University of Waikato.
29. Carlsson, C., Fuller, R. (1996): *Fuzzy Multiple Criteria Decision Making: Recent Developments*, *Fuzzy Sets and Systems*, PP 78.
30. Chu H, Hwang GJ. A Delphi-based approach to developing expert systems with the cooperation of multiple experts. *Expert Systems with Applications* 2008; 34(4): 2826-40.
31. Cohen, Y. A. (1964): "The Establishment of Identity in a Social Nexus: The Special Case of Initiation Ceremonies and Their Relation to Value and Legal System", *American Anthropologist*, Vol.4 (29):529-552.
32. Landeta J. Current (2006): *validity of the Delphi method in social sciences. Technological Forecasting and Social Change* 73(5); 467-82.
33. Leung, K & Ang, S (2008): *Culture, Organizations and Institutions: an Integrative Review*, *Cambridge Handbook of Culture, Organizations, and Work*, New York: Cambridge University Press.

34. Manca DP, Varnhagen S, Brett-McLean P, Allan GM, Szafran O, Ausford A. Rewards and challenges of family practice: web-based survey using the Delphi method. *Can Fam Physician* (2007): Feb; 53(2): 278-86, 277.
35. Nieto, S (2004): *Affirming Diversity: The Sociopolitical Context of Multicultural Education*, Boston: Allyn & Bacon.
36. Rosenstein, Carole (2011): *Cultural development and city neighborhoods*, *City, Culture and Society* 2 9–15.
37. Triandis, H. C (1972): *the analysis of subjective culture*, New York: John Wiley.
38. Windle PE. Delphi technique: assessing component needs. *J Perianesth Nurs* (2004): Feb; 19(1): 46-7.
39. Zevede, B (2000): *Culture and Personality*, Great Britian: Blackwell.